

حکمتیست

۷۷

۲۴ اوت ۲۰۱۵ - ۲ شهریور ۱۳۹۴
دوشنبه ها منتشر میشود

دمکراسی در سراسر

در حاشیه انتخابات رهبری حزب کارگر
بریتانیا

ثریا شهابی

انتخابات نخست وزیری امسال در بریتانیا که منجر به عروج غیرقابل پیش بینی حزب محافظه کار و تشکیل یک دولت یک دست "راست" شد، صحنه کاملی از عقیم بودن پارلمانتاریسم و دمکراسی بورژوایی را به نمایش گذاشت. انتخاباتی که در آن صف بندی های چپ و راست در ساختار سیاسی بریتانیا تماما برهم ریخت، دمکراسی به کما رفت و حفظ "اتحاد نظام" به خطر افتاد!

بعد از این انتخابات، دو حزب اصلی و "سراسری" سنتا اپوزیسیون یعنی "حزب کارگر" و "حزب لیبرال دمکرات" به بحران هویتی دچار شدند، روسای آنها استعفا دادند و حزب "محلی" اسکاتلند بعنوان بزرگ ترین حزب چپ عروج کرد.

این انتخابات از خود، پارلمانی برجای گذاشت که در آن شکل دادن به یک اپوزیسیون سراسری پارلمانی و تشکیل یک "دولت در سایه"، عملا غیرممکن شد. واقعی ترین و چپ ترن اپوزیسیون موجود در پارلمان بریتانیا، حزب "ملی" و "محلی" اسکاتلند است که سپتامبر سال گذشته در راس رهبری انجام رفراندوم برای جدایی اسکاتلند از بریتانیا بود.

ساختار سیاسی بریتانیا، با یک دولت محافظه کار سراسری، بدون هیچ اپوزیسیون چپ سراسری، با حمل "بار سنگین" یک اپوزیسیون قوی محلی چپ جدایی طلب اسکاتلند، نه تنها اتحاد "بریتانیا کبیر" را شکننده تر کرده است، که صف بندی احزاب پارلمانی را تماما برهم ریخته است.

به مناسبت سالگرد یورش مسلحانه "۲۸ مرداد ۱۳۵۸" جمهوری اسلامی به کردستان

مظفر محمدی

"۲۸ مرداد ۱۳۵۸" خمینی فرمان حمله به کردستان تحت عنوان "سرکوب اشرار و برقراری امنیت و آسایش" را صادر نمود. تمامی اسناد غیر قابل انکار در رابطه با شرایط "سیاسی- اجتماعی و امنیتی" آن روز جامعه کردستان نشان میدهند و ثابت میکنند که، در سراسر کردستان کاملاً جو و فضای آزاد و دموکراتیک و امنیت و آسایش وجود داشت و احزاب سیاسی بدون قید و شرط فعالیت می کردند.

جریان خمینی که سوار بر انقلاب و توهم توده های انقلابی به حکومت رسید، در غیاب یک طبقه کارگر متشکل و متحد و حزب قدرتمند کارگری و کمونیستی، توانست این ماموریت و نمایندگی بورژوازی برای سرکوب انقلابیون و به خانه فرستان کارگران و مردم انقلابی را بعهده بگیرد.

در آن زمان در کردستان بیشتر از همه جا، نبض انقلاب می زد. توده های انقلابی در کردستان به خمینی و دولت موقتش رای نداد و نمیخواست بپذیرد که آن ها از بالای سر مردم تصمیم بگیرند. در واقع کردستان سنگر دفاع از آزادی و انقلاب شده بود. از نظر انقلابیون در کردستان انقلاب هنوز ادامه داشت و نتیجه اش می بایست برقراری آزادی و برابری و دخالت مردم در سرنوشتشان باشد. و این نه برای بورژوازی در ایران و نه دولتهای امپریالیستی قابل قبول نبود. این کانون انقلابی می بایست خفه و سرکوب بشود.

حمله رژیم به فرمان خمینی هدفش این سرکوب بود که دیدیم با دفاع و مقاومت انقلابی وسیعی در سراسر شهرهای کردستان و بویژه در جنوب و بزرگترین شهر آن "سنندج" روبرو شد و در این مرحله به عقب نشاندن شد.

کمپین شیادان

پیرامون تحرکات طرفداران جمهوری اسلامی در خارج کشور

اخیرا در چند شهر اروپا و آمریکا تجمعاتی تحت نام "حمایت از توافقات هسته ای و صلح برای ایران" توسط لابیست های جمهوری اسلامی و "سازمانهای جانبی" رژیم در خارج کشور به پا شده است. از سازمان دهندگان و چهره های همیشگی آشنا در این تجمعات میتوان به آقای فرخ نگهدار، مسعود بهنود، بی بی سی و خیل جریانات پرو رژیم اشاره کرد. شاخص ترین چهره های منتقدین خودی و مشهور ترین قسم خورده های حفظ نظام اسلامی در راس کمپین "صلح و آشتی" با جمهوری اسلامی قرار گرفته اند. این طیف به زور "اپوزیسیون" شده پرو رژیم، تاریخ سیاهی در ذهن جامعه و مردم آزدیخواه ایران دارند. اینها به خمینی و به خون کشیدن انقلاب ۵۷ لیبیک گفتند، حامی سیاسی و پلیس امنیتی آن در تقابل با انقلابیون و کمونیستها شدند، تنها آن زمان که خودشان در معرض تهاجم گله های حزب الله قرار گرفتند ندای "آی استبداد، استبداد!" را سر دادند، هیزم بیار جنگی ۸ ساله شدند که استبداد اسلامی را برقرار و برای دوره ای تثبیت کرد، با رفسنجانی پادوی بازسازی اقتصادی و با خاتمی مبلغ مردمسالاری دینی و گفتگوی تمدنها شدند و امروز در خارج کشور از سوراخ بیرون آمده و کاسه لیسان "اعتدال و صلح" در مکتب جمهوری اسلامی شده اند.

آزادی برابری حکومت کارگری

کمپین شیدان

خاک سیاه می نشانند؛ فقط پروفیسور، مهندس، تحلیلگر مبلغان تمام عیار "دولت شیدای زیر نام "صلح" را در داخل نیست که رژیم و جامعه شناس همان پروژه اعتدال"، بعنوان مجریان بی اعتبار و افشا کرد.

۳۷ سال است که مبارزه تلاش میکند در راستای را پیش میبرند. اینها سیاست های دولت و مردم، جوانان، زنان و حمایت دولت های غربی، با کارکنان بی جیره مواجب حکومت و ارگانه های اجرایی برای تقابل با این "کمپینها" بویژه کارگران علیه رژیم بالا کشیدن مزد کارگران، با جمهوری اسلامی در خارج آن عرض اندام کرده اند. به باید آماده بود.

اسلامی و حاکمیت سیاه آن محروم کردن مردم از کشوراند! همان کاری را که همین عنوان باید با آن سازماندهندگان آن باید در داخل و خارج کشور، در بهداشت و مسکن و رژیم با زور سر نیزه و برخورد شود. همانگونه که پاسخی در خور بگیرند.

جریان است. اینها تاریخا سوادآموزی، با رها کردن چماق با مردم ایران در با فروش، مهاجرانی، در جبهه جمهوری اسلامی افسار سپاه و پلیس و داخل میکند، این طیف به گنجی، جلائی پور و **مرگ بر جمهوری اسلامی** و در تقابل با مردم، جوانان، اسیدپاش به جان زنان، با شیوه "آرام" و "متمدن" و کنفرانس برلین برخورد شد. **زنده باد آزادی، برابری، زنان و طبقه کارگر قرار** پاکستانی قومی افغانستانی کمپینی و با جمع آوری زنان و مردان آزادیخواه گرفته اند. اینها سنتا شاخه های ساکن ایران، با قدغن امضا و در خارج می قربانی حکومت مورد **حکومت کارگری**

خارج کشور "جناح معتدل" کردن فعالیت احزاب کنند. حمایت این طیف، با این **تشکیلات خارج کشور حزب** جمهوری اسلامی و بلندگوی سیاسی، با بگیر و ببند کمپین و سازماندهندگان و **کمونیست کارگری** آنان در خارج کشور بوده فعالین و رهبران کارگری، "کمپین حمایت از توافقات سخنگویان آن همان رفتار **حکمتیست (خط رسمی)** اند. جدال انقلاب و ضد و با ممنوع کردن اعتصاب هسته ای و صلح برای را خواهند کرد. باید مراسم انقلاب فقط در داخل ایران و تشکل و انعقاد قرارداد ایران" به عنوان کمپین های رسمی آنها را به صحنه **۱۹ اوت ۲۰۱۵** در جریان نیست. فقط در جمعی، میگیرند و می زنند رسمی حکومتی، و کیفر خواست اکثریت مردم داخل ایران نیست که و می کشند. در خارج کشور سازماندهندگان و خط محروم ایران علیه جمهوری اکثریت مردم محروم را به نیز، اینها در لباس دکتر، دهندگانش، بعنوان مدافعان و اسلامی، تبدیل کرد. باید این

آزادی

- آزادی کامل و بی قید و شرط انتقاد به کلیه جوانب سیاسی، فرهنگی و اخلاقی و ایدئولوژیکی جامعه.

- آزادی بی قید و شرط عقیده، بیان، اجتماعات، مطبوعات، تظاهرات، اعتصاب، تحزب و تشکل.

- آزادی مذهب و بی مذهبی و جدایی کامل مذهب از دولت و آموزش و پرورش. هر نوع اجبار فیزیکی و روحی برای پذیرش مذهب ممنوع است. کودکان و نوجوانان زیر ۱۶ سال از هر نوع دست اندازی مادی و معنوی مذاهب و نهادهای مذهبی مصون باید باشند.

- آزادی بی قید و شرط انتخاب لباس. لغو هر نوع شرط و شروط رسمی و یا ضمنی بر مقدار و نوع پوشش مردم، از زن و مرد، در اماکن عمومی. ممنوعیت هر نوع تبعیض و یا اعمال محدودیت بر مبنای پوشش و لباس مردم.

- برابری کامل و بی قید و شرط زن و مرد در حقوق مدنی و فردی و لغو فوری کلیه قوانین و مقرراتی که ناقض این اصل است. برابری کامل حقوق و موقعیت قانونی زن و مرد در خانواده.

- تامین فوری برابری کامل زن و مرد در شرکت در حیات اجتماعی- سیاسی و اقتصادی جامعه در سطوح مختلف.

- برابری کامل و بی قید و شرط کلیه شهروندان ایران، مستقل از تابعیت، در کلیه حقوق و وظایف قانونی، اعم از فردی، مدنی، سیاسی، اجتماعی و رفاهی. کلیه ساکنین کشور، مستقل از ملیت یا احساس تعلق ملی خویش، یا اعتقادات مذهبی، اعضای متساوی الحقوق جامعه اند و در دسترسی به همه امکانات جامعه، برابراند.

- ممنوعیت تفتیش عقاید. حق استتکاف شخص از ادای شهادت علیه خود که بتواند به اعلام جرم علیه وی منجر گردد. آزادی سکوت درباره نظرات و اعتقادات شخصی.

- مصونیت زندگی خصوصی افراد- مصونیت محل زندگی، مکاتبات و مراسلات و مکالمات فرد از هر نوع دخالت توسط هر مرجعی. ممنوعیت استراق سمع، تعقیب و مراقبت.

- مجازات اعدام باید فوراً لغو گردد. اعدام یا هر نوع مجازات متضمن تعرض به جسم افراد (نقص عضو، تنبیه بدنی، و غیره) تحت هر شرایطی ممنوع است.

از: شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران

دمکراسی در سرائیب

های انتخاب رهبری بعدی داده است. اساسا به خاطر کار، شکل دهند. بدنبال راه حل های دیگری برای اعمال قدرت، از پایین بحث داغ انتخابات برای تعیین رهبری بعدی حزب کارگر برای بازگشت به قدرت، مهمترین افق همه کارگر بریتانیا و پیش قدم شدن جرمی کوربین، چپ "سوسیالیست" و میانه و آن. ترین عضو خلاف جریان این حزب، محصول این ادعاها و موضع گیری های شرایط است. شرايطی که چپ و عدالتخواهانه و .. در دل آن جدال در "حزب کارگر" برای انتخاب رهبری بعدی، به تحرکاتی بسیار فراتر از این حزب در سراسر بریتانیا دامن زده است. بقول رسانه ها جدال انتخاباتی درون حزب کارگر "گفتمان سیاسی در بریتانیا را تماما تغییر داده است".

رقابت های انتخاباتی، بخصوص به میدان آمدن کوربین چپ و "سوسیالیست" فی الحال بخش زیادی از نیروی جوان و اقشار تحتانی جامعه را به خود جلب کرده است. با این وجود، این انتخابات، بیش از آن که در مورد سرنوشت حزب لیبر باشد، انعکاس وضعیت ساختار سیاسی درهم ریخته بریتانیا و تلاش برای بازسازی "کنترل شده" آن است.

بی تردید تلاش حزب کارگر برای جبران لطماتی که در انتخابات امسال متحمل شد، از جمله جارو شدن از پایگاه سنتی این حزب در اسکاتلند، برباد رفتن "اعتماد" سنتی اقشار تحتانی جامعه، و جبران باخت مفتضحانه در مقابل حزب محافظه کار، محور کمپین دهه ۶۰-۷۰ را از دست و با فاصله از دولت محافظه

است. بالا بردن شانس حزب کارگر برای بازگشت به قدرت، مهمترین افق همه کارگر بریتانیا و پیش قدم شدن جرمی کوربین، چپ "سوسیالیست" و میانه و آن. راست "لبریسم" است. همه ادعاها و موضع گیری های چپ و عدالتخواهانه و .. سرانجام باید بتواند نشان دهد که انتخاب "رهبری جدید" شانس حزب کارگر برای بازگشت به قدرت در انتخابات بعدی را بالا خواهد برد.

از این روست که باید انتظار رسیده است، که بر مبنای رقابت احزاب "چپ" و راست، تقابل دولت در محبوبيت کوربین و بحث های داغ قطبی شده، در لحظات پایانی و نزدیک به انتخابات، محافل قدرت چنان کمپینی از ترس از عروج "چپ" براه اندازند که بخش اعظم آرا را به سمت کاندید میانه روتری از دو دهه است که در بریتانیا همچون همه کشورهای دیگر "جهان متمدن" پوچ، توخالی و بی محتوا شده است. با ذره بین هم نمی توان تفاوت راست و چپ در پارلمان و دولت احزاب، در قدرت و در سایه را معلوم کرد. این را امروز جامعه می داند و امروز خود رهبران این احزاب در تنگنا، به آن اذعان دارند. مشکل دمکراسی پارلمانی بریتانیا این است که احزاب پارلمانی آن قادر نیستند در همه سالهای پیش، خود را بعنوان تنها کانال اعمال قدرت به جامعه تحمیل کند، اکثریت محروم جامعه و راست افراطی اند. دو دهه است که گندیدگی دمکراسی

برای اعمال قدرت، از پایین خواهند رفت. این واقعیت است که امروز شرایط عروج کوربین را فراهم سیاست های راست یا چپ کرده است. در قدرت، و امروز بدون به چالش کشاندن سیاست های یک دست دولت محافظه هویی حزب لیبر و حزب کار، و در یک کلام یک ساختار سیاسی تماما یک دست و یک قطبی، چیز کرد، که مشکل گندیدگی، زیادی از دمکراسی پارلمانی و داعیه های آن، برجای دمکراسی پارلمانی است. نمی گذارد. مضافا اینکه خلا روبنای سیاسی به بن بست رسیده است، که بر مبنای رقابت احزاب "چپ" و راست، تقابل دولت در محبوبيت کوربین و بحث های داغ قطبی شده، در لحظات پایانی و نزدیک به انتخابات، محافل قدرت چنان کمپینی از ترس از عروج "چپ" براه اندازند که بخش اعظم آرا را به سمت کاندید میانه روتری از دو دهه است که در بریتانیا همچون همه کشورهای دیگر "جهان متمدن" پوچ، توخالی و بی محتوا شده است. با ذره بین هم نمی توان تفاوت راست و چپ در پارلمان و دولت احزاب، در قدرت و در سایه را معلوم کرد. این را امروز جامعه می داند و امروز خود رهبران این احزاب در تنگنا، به آن اذعان دارند. مشکل دمکراسی پارلمانی بریتانیا این است که احزاب پارلمانی آن قادر نیستند در همه سالهای پیش، خود را بعنوان تنها کانال اعمال قدرت به جامعه تحمیل کند، اکثریت محروم جامعه و راست افراطی اند. دو دهه است که گندیدگی دمکراسی

مرک بر جمهوری اسلامی! زنده باد سوسیالیسم!

به مناسبت یورش

نشانه‌های این تغییر است. یک دست آن زمان، تفرقه و کند. ارتجاع قومی و مذهبی اکنون جمهوری اسلامی تثبیت بوجود آمده است... "سلفی و سنی‌گری"، به کمونیست‌ها، کارگران و نسبت سرکوب‌های زنان و جوانان ازادخواه و متحدین خود را در عراق و مردم کردستان بارها گفتیم کردستان عراق در آنطرف با وجود این، هنوز خاطر جمهوری اسلامی خطر برابری طلب باید با چشمان و نوشتیم. بیش از سه دهه مرزهای کردستان دارد. جمهوری اسلامی از جدی‌تر و سهمناک‌تری اند. باز این تحولات را ببینند و از این تاریخ، اوایل مرداد ناسیونالیسم کرد از حزب کردستان جمع نیست. هنوز هرگام پیروزی مردم قبل از هر چیز تکلیف خود ماه امسال روحانی رییس کارگران کردستان ترکیه سنج شهر سرخ نامیده می‌کردستان بر جمهوری را با ناسیونالیسم و قوم جمهوری اسلامی و قبل‌تر "پ ک ک" تا دولت اقلیم شود و شیخ کمونیسم که در اسلامی در گرو این است که پرستی و شعبه دیگر اسلام خامنه‌ای، به سنج آمدند. کردستان عراق، دوستان و مبارزات کارگران و زنان کمونیسم و برابری طلبی در "سنی‌گری و سلفی‌گری" روحانی گفت آمده است تا به متحدین جمهوری اسلامی برابری طلب و جوانان جدال با ارتجاع خودی در روشن کنند، جمهوری این "دیار رفیع و مردم مرز اند. بعلاوه در صفوف انقلابی خود را نشان می‌دهد لباس ناسیونالیسم و قوم اسلامی تنها در پرتو نامنی دار و غیور و مدافع احزاب و جریانات بر فراز سر جمهوری پرستی و سلفی‌گری که این کردستان با وجود این جمهوری اسلامی و دفاع ناسیونالیست و قومی اسلامی در گشت و گذار هم ابزار ناسیونالیسم کرد جریانات ارتجاعی، احساس مقدس" خیر و برکت اپوزیسیون جمهوری است. اسلامی مستقر در کردستان

عراق که تاکنون در شکاف اما پیروزی کمونیسم و طلب است، دست بالا پیدا کثیف و خفه کننده از زمان حمله جمهوری دولتهای منطقه به زیست کارگران و مردم در جدال کند. ناسیونالیسم و قومی‌گری و سنی‌گری، از اولیتهای اسلامی به کردستان تا خود ادامه داده اند، اکنون با جمهوری اسلامی محتوم کنون تغییرات مهمی در شانس خود را در نیست. ناسیونالیسم و قوم توازن قوای بین مردم و کنسولگری جمهوری پرستی و سلفی‌گری بعنوان رژیم بوجود آمده است. اسلامی در اربیل امتحان می‌بازوهای سیاه جمهوری اسلامی، کردستان ازادخواهی و برابری طلبی سفرهای پشت سرهم کنند تا شاید مقبول دولت اسلامی، خطری است که ایران هم سرنوشت بهتری در کردستان است. رهبران جمهوری اسلامی روحانی واقع شوند. از ازادخواهی و برابری طلبی از کردستان عراق و منطقه به کردستان، تنها یکی از طرف دیگر در صفوف چپ در کردستان را تهدید می‌خواهد داشت. (مرداد ۹۴ (اوت ۲۰۱۵))

دمکراسی در سراسر

وصله پینه کردن جنازه بورژوازی، خود را پشت حزب لیبر، بعنوان حزب جنگ با دشمن خارجی و کارگران' و تلاش برای "محورهای شر" بیرونی، بازسازی صف بندی‌های پنهان کرده بود. سنی و "نجات دمکراسی"، در خود کمکی به این پروسه

بریتانیا، همچون همه جوامع نیست.

غربی، به چپ، سوسیالیسم و کمونیسم طبقه کارگر ۲۳ اوت ۲۰۱۵

نیازمند است. چپ و کمونیسم ای که با اعتماد علیه قوانین کور سرمایه و علیه نیروهای سیاسی و طبقاتی آن عمل می‌کند.

مبارزه ما برای برابری، رفع تبعیض و رفاه جزء لاینفک مبارزه وسیع تر و اساسی ما برای شکل دادن به انقلاب اجتماعی و برقراری جامعه برابر و آزاد کمونیستی است. مبارزه ای که سرنوشتی جمهوری اسلامی ایران، اولین شرط پیشروی و پیروزی آن است.

ما مردم محروم ایران را به برافراشتن پرچم این اهداف انقلابی، در برابر جمهوری اسلامی و هر نیروی مدافع استثمار و استبداد، و برای مقابله با گسترش فقر و نا امنی و محرومیت، فرامیخوانیم.

شور رفاه، آزادی امنیت مردم ایران

"شور رفاه، آزادی و امنیت مردم ایران" را بدست گیرید!

http://hekmatist.com/2015/Hekmatist_Manshour.html

قدرت طبقه کارگر در تحزب و تشکل اوست!

نشریه هفتگی حزب
حکمتیست خط رسمی

www.hekmatist.com

سر دبیر: فواد عبداللہی

fuaduk@gmail.com

تماس با حزب

hekmatistparty@gmail.com